

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۲ جنوری ۲۰۲۰

از آلودگی هوا به آلودگی زمین؟! "توکار زمین را نیکو ساختی که به آسمانها پرداختی"

چهارشنبه- ۱۱ جدی ۱۳۹۸ - کابل: اگر یادداشت روز گذشته ام را به خاطر داشته باشید، هرچند در آن عمدتاً با طرح استفاده ابزاری تمام جناح های حاکمیت دست نشانده از مسأله، به جای "آلودگی هوا" از "آلودگی زمین" صحبت به عمل آمده بود، باز هم چند تن از دوستان مشفق این قلم را بدرستی مورد انتقاد قرار دادند که نباید بدون فیصله با آنهایی که زمین را با موجودیت شان آلوده ساخته اند، آلودگی دیگری را مورد بحث قرار داد. در یادداشت امروز در حد این مطلب، توجه شما را به آنهایی جلب می نمایم که در آلوده ساختن زمین، نقش بیشتر دارند.

۱- از آن جایی که پهنا، گستره و درازی لست آنهایی که زمین را آلوده ساخته اند، در طی اعصار و قرون هم در داخل کشور و هم در خارج از آن، فراختر و درازتر از آن است که بتوان از تمام آنها نام برد، در اینجا یادداشت ما را با قید های زمانی و مکانی، چهاردهم اخیر و عمدتاً کشور ما افغانستان محدود می سازیم، تا کسی ما را متهم نسازد، که گویا نقش فلان فرد را در ایجاد "آلودگی زمین" نا دیده گرفته ایم.

۲- به تناسب گستردگی آلودگی زمین، ابعاد این آلودگی هم گستره فراگیری را داشته که در ذیل تلاش خواهیم نمود، تا فقط چند نمونه آن را برجسته بسازم:

الف: یکی از مهمترین و دهشتناکترین آلودگی در زمین کشور ما، آلودگی های اعتقادی- فکری و یا به گفته متجددین آلودگی ایدئولوژیک است. این آلودگی که در کل سه قسمت را شامل می باشد، با تأسف تأثیر عملی آن انسان عادی جامعه ما را به جلادان قرون مبدل ساخته است.

نخستین نوع این آلودگی فکری، "اسلام سیاسی" و یا همان نام آشنای "اخوانیت است". این آلودگی اسلام را که با تمام فراز و نشیب آن، بدون آنهم دامن پاکی نداشت، از اعتقاد به وسیله مبدل ساخته، در نتیجه نه تنها تا امروز جوی های خون به راه انداخته است، بلکه خطر این که باز هم برای سالها و قرون متمادی جان تازه یافته و به جنایاتش ادامه دهد، به هیچ صورت منتفی نیست. مبشران و داعیان این آلودگی کاملاً شناخته شده اند. مردم آنها را به نام "اخوانی" یاد می کنند از سران آنها "گلبدین"، "ربانی-معدوم"، "سیاف"، "محسنی-معدوم"، "احمدشاه مسعود-معدوم" و بقیه رهبران و راهیان مکتب اخوان می باشد. اینها با تفکرات شان، زمین را چنان آلوده ساخته اند که اگر بدان توجه لازم صورت نگیرد، حاصل آن زمین به جز "زرداد" ها چیز دیگری نخواهد بود.

دومین نوع این آلودگی فکری که تبارز عملی خود را در افغانستان به شکل قهری و خشونت آمیزی به نمایش گذاشت، آلودگی فکری از نوع خروشچفیزم، رویونیوم و افتادن در باتلاق سوسیال امپریالیسم بود. اینها که در تمام مدت سخت تلاش نمودند تا با گذاشتن نقاب سوسیالیسم و کمونیسم نخست به فریب و بعد تر به کشتار باشندگان این سرزمین پردازند، علی رغم آن هیچ ربطی به سوسیالیسم و یا کمونیسم نداشتند، مگر دشمنان کمونیسم جنایات آنها را بهترین بهانه و موردی یافتند تا با برجسپ کمونیسم به آنها، جنایات و خیانت های آنها را به کمونیسم نسبت دهند. مبشران و سردمداران اولی این تفکر آلوده به سم بورژوازی، "تره کی، ببرک، امین، پنجشیری، کشتمند، سلیمان لایق، بارق شفیع" و بقیه نوکران روس اشغالگر بودند و هستند که با پخش اندیشه های ضد انقلابی و برده سازشان، نه تنها زمین را تا امروز آلوده ساخته اند، بلکه بر مبنای عقب ماندگی فکری مردم، تبلیغات گسترده دشمنان کمونیسم و جین و ناتوانی داعیان اصلی کمونیسم در دفاع از ساخت آن، این آلودگی برای مدتها ادامه یافته، رشد و نمو پذیر واقعی کمونیسم را به مخاطره خواهد انداخت.

سومین نوع این آلودگی فکری، دستبردیست که تعدادی از نوکران و جواسیس قدرت های امپریالیستی بر تفکرات برابری طلبانه، آزادیخواهانه و مردم سالارانه عصر روشنگری و اصحاب دایرة المعارف زده با معرفی کاریکاتور افکار روسو، مونتسکیو، جان لاک، دیدرو و ده ها دانشمند و فیلسوف عصر روشنگری که افکار شان در همان زمان به علت دوران پویائی تولید سرمایه دارانه از اعتباری برخوردار بود، زدند. این جمع که عمدتاً سوار بر طیارات غول پیکر امریکا و شرکای جنایاتش بر افغانستان با مغز های پر آلوده به سم تاریخزدگی بورژوازی و بکسهای خالی وارد افغانستان شدند و نمایندگان برجسته آن را می توان در وجود "کرزی" ها و "غنی احمدزی" ها مشخص ساخت، مغزهای آلوده شان خالی و بکس های خالی شان را با دالر و طلا پر نموده، چنان زمین کشور ما را آلوده ساختند که جای مفاهیمی مانند وطنپرستی، استعمارزدائی، آزادیخواهی و ... را نفرت و افتراق قومی، مذهبی و نژادی گرفت. باز هم کاملاً مسلم است که امکان آزادی کشور و تأمین رفاه باشندگان زجرکشیده آن بدون زدودن و به زباله دان تاریخ سپردن این آلودگی امکان پذیر نیست.

هموطنان گرامی!

آنچه زمین کشور را آلوده ساخته زیاد است، شاید بتوانم به فاصله به هریک از آنها پردازم، عجلتاً:

سرکها ما را می طلبد!!